

به نام او

که حریم کبریایی اش
پناه‌جای همگان است.

دانشگاه تربیت معلّم تهران
دانشکده‌ی ادبیّات و علوم انسانی

رساله‌ی تحصیلی برای دریافت درجه‌ی دکتری
در رشته‌ی زبان و ادبیّات فارسی

عنوان:

تحقیق در لغات، ترکیبات و کنایات کلیّات شمس

استاد راهنما:

دکتر محمود عابدی

استادان مشاور:

دکتر حبیب‌الله عباسی، دکتر محمّد شادروی منش

دانشجو:

بدریه قوامی

مهر ۱۳۸۹

تقدیم به

پدر و مادرم، بزرگ آموزگاران زندگیم

و

همسرم، به پاس عشق و ایثارش

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

چکیده

غزلیات مولوی در میان آثار شاعران فارسی، از لحاظ واژگان بی‌همتاست. گستردگی دایره‌ی واژگان او به تناسب مفاهیم و مضامین شعر اوست. به علاوه، شعر مولوی هم‌چنان که غالباً در معنی، آشکارا دنباله‌ی شعر پیشینیان نیست، در لفظ نیز در تنگنای واژه‌های رسمی محدود نشده است و تجارب تازه‌ی شاعر در موضوع، شعر وی را مشحون از کلمات و ترکیبات تازه کرده است.

شماری از واژه‌های به کار رفته در شعر مولوی را به ندرت می‌توان در آثار گذشتگان یافت و دسته‌ای از آنها نیز در کتاب‌های مشهور لغت نیامده است. این واژه‌ها یا عامیانه هستند و یا از زبان‌های ترکی و یونانی مأخوذند. علاوه بر این، تعدادی از کلمات فارسی و عربی نامتداول هم در دیوان شمس یافت می‌شود که تصرف شاعر گاهی در لفظ و گاهی در معنای آنها، دیده می‌شود.

یکی از عوامل تشخیص زبان مولوی، ساخت کلمات تازه است؛ مولوی از طریق ترکیب عناصر ناهمگون، که ترکیب آنها نوعی آشنایی‌زدایی ایجاد می‌کند، کلمات مرکب و مشتق فراوانی ساخته است؛ هر چند شیوه‌ی ترکیب‌سازی مولوی، گاهی برخلاف هنجارهای دستوری زبان فارسی است.

مولوی در عرصه‌ی ترکیبات هم نوآور است، بسیاری از ترکیبات اضافی و وصفی کلیات شمس حاصل خلاقیت شخصی خود شاعر هستند. در میان آنها، ترکیبات پارادوکسی (متناقض‌نمای)، ترکیباتی که اضافه‌ی کلمه به خودش است و ترکیباتی که با استفاده از آیات و احادیث ساخته شده‌اند، برجستگی بیش‌تری دارند. در حوزه‌ی ترکیبات کنایی، بعضی از آنها که با «تشخیص» همراه‌اند، به شعر مولوی تشخیص ویژه‌ای بخشیده‌اند. مولوی بعضی از ترکیبات کنایی را از زبان مردم گرفته است؛ زیرا در تعدادی از آنها، نشانه‌هایی از باورهای عامیانه و آیین‌های مردمی دیده می‌شود.

مولوی از ظرفیت‌های مختلف زبان استفاده کرده و همین سبب خلاقیت‌های شگفت‌انگیزی در دیوان شمس شده است.

اهمیت این پژوهش در آن است که علاوه بر تأکید بر گستردگی دایره‌ی واژگان مولوی، می‌تواند محققان را در شناخت زبان شعر او یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: مولوی، کلیات شمس، زبان شعر مولوی، ترکیب‌سازی، کلمه‌ی مرکب، کلمه‌ی مشتق، ترکیب اضافی، ترکیب وصفی، ترکیب عطفی، ترکیب کنایی، فراهنجاری‌های مولوی

تشکر و قدردانی

سپاس بی‌کران پروردگار عالم را سزاست که تحصیل علم و معرفت را مسیر زندگی من قرار داد و در این مسیر از وجود پربرکت استادان بس ارزشمند بهره‌ها بردم.

پیش از همه سپاس قلبی خود را به استاد فرزانه و گران‌قدر، جناب آقای دکتر محمود عابدی ابراز می‌دارم که در طول سه سال کار مداوم، همواره یاریگر من بوده‌اند و با راهنمایی‌های ارزنده‌ی خویش، راه تحقیق را بر من هموار ساختند. این رساله اگر سامانی یافته است، در سایه‌ی بهره‌گیری از دانش و راهنمایی خردمندانه‌ی ایشان و مدیون دقت و همت کم‌نظیر آن بزرگوار است.

هم‌چنین سپاس‌گزاری می‌کنم از راهنمایی‌های استادان بزرگوار و فرهیخته، جناب آقای دکتر حبیب‌الله عباسی و جناب آقای دکتر محمد شادروی‌منش که مشاوره‌ی رساله را بر عهده داشتند و با دقت نظری که داشتند، مرا در تدوین رساله یاری نمودند.

بر خود وظیفه می‌دانم که سپاسگزار زحمات تمامی استادان بزرگواری باشم که در طول تحصیل از محضرشان بهره‌ها برده‌ام؛ به ویژه اندیشمند فرزانه، جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که انتخاب موضوع این رساله به پیشنهاد ایشان صورت گرفت و هم‌چنین از استادان گران‌قدر جناب آقای دکتر عباس ماهیار و جناب آقای دکتر حسن انوری کمال تشکر را دارم و سلامت و سعادت این عزیزان را از خداوند بزرگ خواستارم.

بر خود لازم می‌دانم که از استاد فاضل زنده‌یاد دکتر علی‌محمد حق‌شناس یادی کنم که شیوه‌ی دیدن و اندیشیدن را به من آموخت.

از همسرم که با نهایت محبت و فداکاری مرا در تدوین این رساله یاری کردند و از یک‌یک دوستانی که مرا به نحوی در شکل‌گیری این رساله یاری دادند؛ به ویژه سرکار خانم ملک‌لو، مسؤول محترم کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم، سپاسگزاری می‌کنم.

و شکر از عنایت ربّانی که توفیق بزرگی بر من ارزانی داشت تا به وسیله‌ی این پژوهش، با مولوی و اندیشه‌های والای آن خداوندگار عشق و معنا، بیش‌تر آشنا شوم و الحمد لله اولاً و آخراً.

بدریه قوامی

مهر ۱۳۸۹

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱	مقدمه
۱۲	فصل اول: کلیات
۱۳	شعر
۱۴	زبان
۱۶	شعر، آفرینش زیبایی در زبان
۱۶	نگرش مولوی به زبان
۱۹	بلاغت خاموشی مولوی
۲۰	غزل مولوی
۲۱	تأثیر پیشینیان بر مولوی
۲۳	تأثیر مولوی بر شاعران
۲۴	لزوم تصحیح مجدد کلیات شمس
۲۵	موسیقی
۲۶	شکل غزل
۲۸	شیوه‌ی بیان
۲۸	صور خیال
۳۲	پی‌نوشت‌ها
۳۴	فصل دوم: تحقیق در کلمات کلیات شمس
۳۵	واژه
۳۶	دایره‌ی واژگان
۳۷	واژگان مولوی در کلیات شمس
۴۱	۱. کلمات ساده
۴۲	۱.۱. کلمات فارسی
۶۹	فعل‌های ساده
۷۲	۲.۱. کلمات عربی
۱۱۷	۳.۱. کلمات ترکی

۱. ۴. کلمات یونانی ۱۳۷
۲. کلمات مرکب ۱۴۱
- ترکیب‌سازی مولوی ۱۴۱
- الگوهای کلمات مرکب در دیوان شمس ۱۴۵
۲. ۱. اسم + اسم = اسم مرکب ۱۴۶
۲. ۲. اسم + اسم = صفت مرکب ۱۵۵
۲. ۳. اسم + تکرار اسم = قید مرکب ۱۷۴
۲. ۴. اسم + صفت = اسم مرکب ۱۷۷
۲. ۵. اسم + صفت = صفت مرکب ۱۷۷
۲. ۶. اسم + بن = صفت مرکب ۱۸۳
۲. ۶. ۱. اسم + بن ماضی = صفت مرکب ۱۸۳
۲. ۶. ۲. اسم + بن مضارع = صفت مرکب ۱۸۳
۲. ۷. صفت + اسم = اسم مرکب ۲۱۳
۲. ۸. صفت + اسم = صفت مرکب ۲۱۳
۲. ۹. صفت + صفت = اسم مرکب ۲۶۱
۲. ۱۰. صفت + صفت = صفت مرکب ۲۶۱
۲. ۱۱. صفت + تکرار صفت = صفت مرکب ۲۶۴
۲. ۱۲. صفت + تکرار صفت = قید مرکب ۲۶۴
۲. ۱۳. صفت + بن = صفت مرکب ۲۶۵
۲. ۱۴. ضمیر + اسم = صفت مرکب ۲۷۳
۲. ۱۵. ضمیر + بن = صفت مرکب ۲۷۳
۲. ۱۶. بن + اسم = اسم مرکب ۲۷۳
۲. ۱۷. بن + تکرار بن = اسم مرکب ۲۷۳
۲. ۱۸. فعل + فعل = اسم مرکب ۲۷۴
۲. ۱۹. صوت + صوت = صوت مرکب ۲۷۴
۲. ۲۰. صوت + بن = صفت مرکب ۲۷۵
۲. ۲۱. اسم صوت + تکرار اسم صوت = اسم صوت مرکب ۲۷۶
۲. ۲۲. صفت + اسم مصدر = صفت مرکب ۲۸۲
- فعل مرکب ۲۸۳
۳. کلمات مشتق ۲۹۷
۳. ۱. کلمات مشتق با استفاده از پیشوند ۲۹۷
۳. ۱. ۱. پیشوند «با» ۲۹۷

۲۹۸	۳. ۱. ۲. پیشوند «ب»
۳۰۰	۳. ۱. ۳. پیشوند «بر»
۳۰۰	۳. ۱. ۴. پیشوند «بی»
۳۰۱	۳. ۱. ۵. پیشوند «نا»
۳۰۴	۳. ۱. ۶. پیشوند «وا»
۳۰۴	۳. ۱. ۷. پیشوند «هم»
۳۱۰	۳. ۲. کلمات مشتق با استفاده از پسوند
۳۱۱	۳. ۲. ۱. پسوند «آسا»
۳۱۲	۳. ۲. ۲. پسوند «لا»
۳۱۳	۳. ۲. ۳. پسوند «ار»
۳۱۳	۳. ۲. ۴. پسوند «ان»
۳۱۴	۳. ۲. ۵. پسوند «انه»
۳۲۲	۳. ۲. ۶. پسوند «باره»
۳۲۴	۳. ۲. ۷. پسوند «بک»
۳۲۶	۳. ۲. ۸. پسوند «تاش»
۳۲۷	۳. ۲. ۹. پسوند «چه»
۳۲۷	۳. ۲. ۱۰. پسوند «دان»
۳۲۹	۳. ۲. ۱۱. پسوند «زار»
۳۲۹	۳. ۲. ۱۲. پسوند «سار»
۳۳۱	۳. ۲. ۱۳. پسوند «ساره»
۳۳۱	۳. ۲. ۱۴. پسوند «سان»
۳۳۱	۳. ۲. ۱۵. پسوند «-ستان»
۳۳۶	۳. ۲. ۱۶. پسوند «-ش»
۳۳۹	۳. ۲. ۱۷. پسوند «-ک»
۳۵۱	۳. ۲. ۱۸. پسوند «کده»
۳۵۲	۳. ۲. ۱۹. پسوند «گار»
۳۵۲	۳. ۲. ۲۰. پسوند «گان»
۳۵۳	۳. ۲. ۲۱. پسوند «گانه»
۳۵۳	۳. ۲. ۲۲. پسوند «گاه»
۳۵۵	۳. ۲. ۲۳. پسوند «گر»
۳۶۰	۳. ۲. ۲۴. پسوند «گری»
۳۶۲	۳. ۲. ۲۵. پسوند «گون»

۳۶۳ ۲۶. ۲. ۳. پسوند «گونه»
۳۶۳ ۲۷. ۲. ۳. پسوند «گه»
۳۶۶ ۲۸. ۲. ۳. پسوند «گین»
۳۶۷ ۲۹. ۲. ۳. پسوند «لان»
۳۶۸ ۳۰. ۲. ۳. پسوند «مند»
۳۶۹ ۳۱. ۲. ۳. پسوند «ناک»
۳۷۱ ۳۲. ۲. ۳. پسوند «نَده»
۳۷۳ ۳۳. ۲. ۳. پسوند «و»
۳۷۴ ۳۴. ۲. ۳. پسوند «وار»
۳۷۸ ۳۵. ۲. ۳. پسوند «وَر»
۳۷۹ ۳۶. ۲. ۳. پسوند «وَش»
۳۸۰ ۳۷. ۲. ۳. پسوند «ه»
۳۸۴ ۳۸. ۲. ۳. پسوند «ی»
۳۹۶ ۳۹. ۲. ۳. پسوند «ین»
۴۰۰ ۴۰. ۲. ۳. پسوند «ینه»
۴۰۳ ۴. کلمات مشتق مرکب
۴۰۳ ۴. ۱. صفت مرکب + ان = قید
۴۰۳ ۴. ۲. اسم مرکب + ه = اسم
۴۰۵ ۴. ۳. صفت مرکب + ه = صفت
۴۰۹ ۴. ۴. صفت مرکب + ی = حاصل مصدر
۴۱۲ ۴. ۵. اسم + میان‌وند + اسم = صفت
۴۱۵ ۴. ۶. اسم + و + اتباع = اسم
۴۱۷ ۴. ۷. اسم صوت + میان‌وند + اسم صوت = اسم
۴۱۸ ۴. ۸. صفت + میان‌وند + صفت = قید
۴۱۸ ۴. ۹. بن + میان‌وند + بن = اسم
۴۲۰ فعل‌های پیشوندی
۴۲۳ پی‌نوشت‌ها

۴۲۸

فصل سوم: تحقیق در ترکیبات کلیات شمس

۴۳۰ ۱. ترکیبات اضافی
۴۳۰ ۱. ۱. اضافه‌های تشبیهی

۴۳۷	۱. ۲. اضافه‌های استعاری
۴۳۷	۱. ۳. اضافه‌های پارادوکسی
۴۳۸	۱. ۴. اضافه‌های ابداعی
۴۴۰	۱. ۵. اضافه‌های موسیقایی
۴۴۱	۱. ۶. اضافه‌هایی که مضاف جزیی از آیه و حدیث است
۴۵۵	۱. ۷. اضافه‌هایی که مضاف آن «میر» است
۴۶۱	۲. ترکیبات وصفی
۴۶۱	۱. ۲. ترکیبات ابداعی
۴۷۷	۲. ۲. ترکیبات پارادوکسی
۴۸۰	۲. ۳. ترکیبات موسیقایی
۴۸۲	۲. ۴. ترکیباتی که بنیاد اجزای آن بر حس آمیزی است
۴۸۵	۲. ۵. ترکیباتی که صفت در آن‌ها نام یکی از شخصیت‌ها است
۴۸۸	۲. ۶. ترکیباتی که از تکرار یک واژه تشکیل شده‌اند
۴۸۹	۲. ۷. ترکیباتی که عناصر آن به هم شباهت دارند
۴۹۱	۳. ترکیبات عطفی
۴۹۱	۱. ۳. ترکیبات ابداعی
۴۹۴	۳. ۲. ترکیبات ناهمگون
۴۹۶	۳. ۳. ترکیباتی که جابه‌جا شده‌اند
۴۹۸	۳. ۴. ترکیباتی که میان اجزاء فاصله افتاده است
۵۰۱	۴. ترکیبات کنایی
۵۰۱	۴. ۱. ترکیباتی که مفهوم «خاموشی» دارند
۵۰۸	۴. ۲. ترکیباتی که مفهوم «ملامت» دارند
۵۱۰	۴. ۳. ترکیباتی که مفهوم «سماح» دارند
۵۱۲	۴. ۴. ترکیباتی که به آیین خاصی اشاره دارند
۵۱۵	۴. ۵. ترکیباتی که دارای مایه‌های تلمیحی هستند
۵۱۷	۴. ۶. ترکیبات کنایی که تشخیص دارند
۵۲۱	۴. ۷. سایر ترکیبات کنایی
۵۷۷	پی‌نوشت‌ها

۵۷۸ فصل چهارم: فراهنجاری‌های مولوی در کلیات شمس

۵۸۳	۱. فراهنجاری‌های واژگانی
-----	--------------------------

۵۸۳ ۱.۱. ابدال
۵۸۹ ۱.۲. افزایش و کاهش صامت و مصوت
۵۹۹ ۱.۳. اماله
۶۰۰ ۱.۴. مشدد آوردن کلمات مخفف و مخفف آوردن کلمات مشدد
۶۰۱ ۱.۵. جابه‌جا کردن صامت‌ها
۶۰۳ ۲. فراهنجاری‌های دستوری
۶۰۳ ۲.۱. فعل
۶۱۲ ۲.۲. اسم
۶۱۹ ۲.۳. صفت
۶۲۹ ۲.۴. قید
۶۳۰ ۲.۵. ضمیر
۶۳۱ ۲.۶. حرف
۶۳۸ ۲.۷. صوت و اسم صوت
۶۳۹ ۳. فراهنجاری‌های آوایی
۶۴۰ ۴. فراهنجاری‌های گویشی
۶۴۱ ۵. فراهنجاری‌های درزمانی
۶۴۲ پی‌نوشت‌ها

فصل پنجم: تحلیل و نتیجه‌گیری

۶۴۳

۶۵۷ جداول و نمودارها

۶۷۵ کتابنامه

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

ای رستخیز ناگهان وی رحمت بی‌منتها
ای آتشی افروخته در بیشه‌ی اندیشه‌ها
(کلّیات شمس: ب ۱)

مقدمه

مسأله‌ی تحقیق

کلیات شمس یکی از متن‌های زیبا و مهم ادبیات فارسی است، راز زیبایی غزل‌های مولوی تا حدّ زیادی مرهون زبان شاعر است که نوگرایی، خلاف عادت‌نمایی و کثرت ترکیبات، چهره‌ای ویژه به آن بخشیده است، علاوه بر آن زبان شعر مولوی، پاره‌ای از نشانه‌ها و ویژگی‌های زبان فارسی کهن را در خود دارد. تجربه‌های تازه‌ی مولوی سبب شده که وی به شناخت ظرفیت‌های مختلف زبان نائل آید و با استفاده از همین آگاهی از ظرفیت‌های مختلف زبان، به زبانی مناسب برای شعرهای خود دست پیدا کند.

تحقیق حاضر حاصل نگرشی است نو به کلیات شمس از نظرگاه زبانی؛ در این رساله تلاش شده تا در حدّ توان زبان مولوی بررسی شود. زبان نیز مانند عناصر دیگر شعر (معنا و صورت) از چند دستگاه تشکیل شده است؛ دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی و دستگاه دستوری. قصد نگارنده در این تحقیق، بررسی دستگاه واژگانی زبان مولوی در کلیات شمس است.

سوالات تحقیق

۱. کلیات شمس از نظر احتواء بر لغات و ترکیبات دارای چه اهمیتی است؟
۲. سبب تازگی زبان در دیوان شمس چیست؟
۳. شیوهی ترکیب‌سازی مولوی به چه صورت است؟
۴. آیا مولوی در لغات و ترکیبات تصرفی کرده است؟ دلیل تصرف و میزان آن تا چه حد بوده است؟

فرضیات تحقیق

- اصلی‌ترین فرضیه‌ی تحقیق این است که مولوی خلاقیت زبانی شگفت‌انگیزی در دیوان شمس دارد.
۱. کلیات شمس از حیث لغات و ترکیبات بسیار غنی است.
 ۲. بعضی از لغات کلیات شمس در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های بعد از مولوی نیامده است.
 ۳. بعضی از لغات کلیات شمس در آثار شاعران و نویسندگان قبل از مولوی و یا معاصران او آمده است؛ اما مولوی به آنها معانی تازه داده است و یا در شکل آنها تصرف کرده است.
 ۴. بعضی از نوادر لغات کلیات شمس از لغات عامیانه مأخوذ است.
 ۵. کلمات و تعابیر خاص خراسان از ویژگی‌های زبانی مولوی است.
 ۶. مولوی به بعضی لغات علاقه‌ی خاصی دارد و در کلیات شمس آتش، خورشید، دریا، شکر و عشق از واژه‌های محوری به شمار می‌آیند.
 ۷. لغات ترکی و یونانی که در غزلیات دیده می‌شود، از زبان مردم وارد شده است و نشان می‌دهد که مولوی مخاطبان بسیاری در میان عوام و ترسایان قونیه داشته است.
 ۸. تازگی ترکیبات مولوی نتیجه‌ی تسلط بر زبان است.
 ۹. از نظر مولوی هر واژه و ترکیبی می‌تواند به زبان شعر راه پیدا کند.

ضرورت تحقیق

کلیات شمس از مهم‌ترین متن‌های قرن هفتم است و با توجه به حجم زیاد و دشواری آن، مشکلاتی برای خوانندگان ایجاد می‌کند. مشکلات لغات و ترکیبات آن به مراتب بیشتر از مثنوی است، نداشتن منبع جدی، کامل و مناسب در این زمینه نگارنده را بر آن داشت تا تحقیقی همه‌جانبه در لغات و ترکیبات این اثر انجام دهد. علاوه بر این، قصد ما کشف تازه‌های زبان مولوی، خاصه‌های زبانی، فراهنجاری‌های واژگانی، دستوری و معنایی و بالاخره شیوه‌ی ترکیب‌سازی شاعر در این اثر گران‌سنگ است. در حقیقت این تحقیق تکمیل و ادامه‌ی کار استاد فروزانفر در

جلد هفتم از کلیات شمس است. هسته‌ی اصلی این کار کشف و بررسی لغات، ترکیبات و بخصوص ترکیبات کنایه در کلیات شمس و یافتن معادل آنها و ذکر مؤیداتی از مثنوی و احیاناً کتب دیگر است.

این اثر همه‌ی مشکلات دیوان شمس را حل نمی‌کند، اما بسیاری از مشکلات آن و در بعضی موارد هم شاید مشکلات مثنوی را نیز حل کند و هم‌چنین در فهم کتاب‌هایی که از لحاظ فکری و زبانی به دیوان شمس شباهت دارند، می‌تواند مفید باشد؛ از جمله معارف بهاء ولد.

دیوان شمس به لحاظ گستردگی واژگان در میان مجموعه‌های شعر زبان فارسی به خصوص در میان آثار غزل‌سرایان مستثنا است. این گسترش و تنوع ناشی از وسعت دامنه‌ی معانی مورد نظر مولوی است. در حقیقت معانی فراوان و لحظه‌های متنوع و تجربه‌های بی‌شمار، استفاده از واژگانی زنده‌تر و فراخ‌تر را ایجاد کرده است.

توجه مولوی به مفهوم، در کاربرد واژه‌ها تأثیر گذاشته است، آن‌چنان که او از به کار گرفتن واژه‌ها یا ترکیبات نامأنوس و به کار بردن نوادری که در زبان غزل‌سرایان دیگر به ندرت می‌توان یافت و حتی استعمال عامیانه‌ی واژه‌ها دوری نجسته است. همین عوامل برخلاف مشهور نه تنها به زبان مولوی زیان نرسانده، بلکه به آن هویت و روحی تازه و فعال بخشیده است.

در دیوان شمس لغات متنوع بسیاری دیده می‌شود؛ از جمله:

۱. بعضی از لغات در آثار شاعران دیگر یافت نمی‌شود و حتی در فرهنگ‌های معتبر از جمله لغت‌نامه دهخدا نیز نیامده است.

۲. لغات فارسی که در قرن هفتم متروک شده‌اند و تنها در شعر شاعران سبک خراسانی از جمله در شعر سوزنی و ناصر خسرو دیده می‌شود.

۳. لغاتی که در دیوان شمس بسامد بالایی دارند؛ از جمله آتش، جان، خورشید، دریا، شکر و عشق.

۴. لغات عربی نامأنوسی که در شعر و نثر فارسی و به ویژه در زبان غزل سابقه ندارند.

۵. لغات عامیانه که بسامد آن‌ها بسیار بالاست و کاربرد آن‌ها در غزل دور از انتظار است.

۶. لغات و عبارات ترکی از جمله دُش و قُش، سغراق، قازغان، قلاوز، قُنق، کیمسن و ... که بسامد آن‌ها نسبت به آثار دیگر مولوی، بسیار چشم‌گیر است.

۷. لغات و عبارات یونانی که بیشتر از زبان متداول مردم قونیه در قرن هفتم است. گاهی حتی یک مصراع و یا بیت به این زبان دیده می‌شود.

علاوه بر این‌ها گاهی واژه‌هایی در دیوان شمس دیده می‌شود که در شعر و نثر گذشتگان یا معاصران مولوی هم یافت می‌شود، اما مولوی معنی خاصی به آنها داده است و یا در شکل آن‌ها تصرف کرده است، این تصرف‌ها می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ مثلاً بعضی از کلمات به علت وزن و یا قافیه در کلیات شمس به صورت خاصی درآمده‌اند. گاهی تحت تأثیر گویش خراسان در صورت کلمات تغییر ایجاد کرده است؛ مثلاً «گود» به جای «گوید»،

«خواهد» به جای «خواهد» و «تان» به جای «توان». و بالاخره توجه عجیب مولوی به زبان توده‌ی مردم، موجب شده که در شکل کلمات تصرّف کند. در شعر او غلیبر (غربال)، قلف (قفل)، مفتلا (مبتلا) و می‌سلفی (سلفیدن= سرفه کردن) آمده است.

مولوی در مقولات دستوری زبان نیز تصرّفاتی کرده است، مثلاً «پیروز» را به جای «پیروزی» و «نزدیک» را به جای «نزدیک‌تر» به کار برده است و به قیاس از هر اسمی، صفت ساخته و به صورت تفضیلی درآورده است؛ از جمله: «آهن‌تر»، «سوسن‌تر»، «گلشن‌تر» و گاهی لغات اتباع را از هم جدا کرده است؛ مانند «کژ می‌شد و مژ می‌شد». غیر از کلمات ساده، کلمات مرکب و مشتق فراوانی در دیوان شمس دیده می‌شود که در ساخت آن‌ها از عناصر ناهمگونی استفاده شده است؛ سردچانه، عشق‌همّت، دلزار، عدمستان، عشقناک و... از این گونه کلمات هستند. در این‌جا انواع الگوهای ساخت کلمات بررسی می‌شود و در نهایت مشخص می‌شود که چه ساخت‌هایی بسامد بیش‌تری دارند و مولوی بیش‌تر در چه الگوهایی کلمات تازه ساخته است.

در بخش کلمات مشتق هم سابقه‌ی پیشوندها و پسوندها بررسی خواهد شد و این که مولوی به کدام پیشوند و یا پسوند علاقه‌ی بیش‌تری داشته است و آیا از این راه کلماتی را ابداع کرده است و یا همان کلمات رایج پیش از خود را به کار برده است؟

بنا بر آمار استاد فروزانفر ۷۵ هزار ترکیب وصفی و اضافی در دیوان شمس وجود دارد و از آن میان ۱۰ هزار حاصل خلاقیت شخصی خود مولوی است. در این رساله بسیاری از ترکیبات اضافی، وصفی و عطفی نیز که تشخیص داشته باشند؛ بررسی و طبقه‌بندی خواهند شد.

ترکیبات کنایی بدیعی در کلیات شمس وجود دارد؛ «شخصیت بخشی به مفاهیم انتزاعی» سبب خلق بسیاری از این کنایات شده است؛ از جمله: «از منطق طهارت کردن»، «اندیشه را آویختن»، «ریش طرب را شانه کردن»، «سبب غم را کندن»، «گلوی حیا را بریدن». در بعضی از ترکیبات کنایی نشانه‌هایی از آیین‌های مردمی و یا دینی دیده می‌شود؛ از جمله: «آئینه بیان را در نمد کردن»، «با تیغ و کفن نزد کسی رفتن». در بعضی از این ترکیبات هم مایه‌های تلمیحی نهفته است؛ از جمله: «گرد از کف دریا برآوردن».

پیشینه‌ی تحقیق

علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده‌ی کلیات شمس تاکنون درباره‌ی لغات، ترکیبات و کنایات آن اثری جدی نوشته نشده است، جز آن‌که استاد فروزانفر در جلد هفتم از کلیات شمس فرهنگی از نوادر لغات تهیه کرده است. بخش اعظم فرهنگ نوادر به لغات ساده اختصاص داده شده است؛ اما در همین بخش نیز، بسیاری از واژه‌های فارسی و عربی و همه‌ی واژه‌های ترکی و یونانی نیامده است و ظاهراً در عرضه‌ی معانی بعضی کلمات هم سهو پیش آمده است. تعداد

بسیار کمی از ترکیبات اضافی و وصفی آمده است و ترکیبات کنایی هم اصلاً در آن ذکر نشده است. واژه‌هایی که در فرهنگ نادر آمده‌اند، از هم متمایز نشده‌اند و هیچ یک از لغات و ترکیبات رباعیات و ترکیب‌بندها نیز نیامده است. استاد فروزانفر در نوشتن این فرهنگ، قصد داشته که فهرستی از کلمات نادر و غریب را ترتیب دهد که طرز تصرف مولوی را در الفاظ نشان می‌دهد.

آثار دیگری که در این حوزه نوشته شده است؛ عبارتند از :

الف. کتاب

۱. تصویرگری در غزلیات شمس: دکتر حسین فاطمی؛ نویسنده در این اثر به بررسی تصویرسازی و تخیل هنری مولوی از نظرگاه کتاب صورخیال در شعر فارسی دکتر شفیع کدکنی پرداخته است و تصویرهای شعری مولوی را به دو اعتبار مواد سازنده‌ی آن و محتوای آن‌ها طبقه‌بندی کرده است. در این میان به ترکیبات اضافی و وصفی که دارای تشبیه یا استعاره هستند، اشاره‌ی مختصری شده است.

۲. سیب باغ جان (جستاری در ترفندها و تمهیدات هنری غزل مولانا): دکتر مریم خلیلی جهانتیغ؛ نویسنده در این اثر بعد از مقدمه‌ای درباره‌ی زبان شعر بر اساس نظریه‌ی صورت‌گرایان، انواع تصرفات مولوی را در حوزه‌ی موسیقی و الفاظ تحت عناوین فراهنجاری‌های معنایی، واژگانی و دستوری بر مبنای کتاب جفری لیچ (G.Leech) با عنوان «*A Linguistic Guide to English Poetry*» بررسی کرده است؛ این اثر به بخش کوچکی از کار ما ارتباط دارد. هر چند در همین بخش هم پیش‌تر فراهنجاری‌های نحوی بررسی شده است؛ در حالی که در رساله‌ی حاضر، تأکید بر فراهنجاری‌های صرفی است.

۳. اصطلاحات عرفانی دیوان شمس: دکتر مریم ابوالقاسمی؛ نویسنده در این اثر به بررسی بعضی از ترکیب‌های اضافی، وصفی و کنایی که مفهوم عرفانی دارند، پرداخته است؛ اما این تعداد در مقایسه با ترکیبات بی‌شمار مولوی، بخش بسیار کوچکی از نوشته‌ی حاضر را شامل می‌شود.

۴. رباب رومی (گشتی در رفتار و آثار موسیقایی جمال‌آفرین جلال‌الدین محمد بلخی): مهدی ستایشگر؛ نویسنده در این اثر بعد از مقدمه‌ای راجع به نظام موسیقایی مولوی، واژه‌ها و اصطلاحات موسیقایی آثار مولوی را به ترتیب الفبایی آورده و معادل‌گذاری کرده است. در بحث از هر واژه سابقه‌ی تاریخی آن را متذکر شده و اطلاعات بسیاری به مخاطبان داده است؛ در معادل‌گذاری بسیاری از واژه‌ها از آرای استاد فروزانفر در فرهنگ نادر استفاده کرده است و این نکته عظمت کار استاد فروزانفر را می‌رساند؛ زیرا موسیقی‌شناسی کار ایشان را تأیید می‌کند. هر چند که این اثر در بسیاری از واژه‌های حوزه‌ی موسیقی راه‌گشاست و واژه‌هایی در آن معنی شده است که در هیچ منبعی نیامده است (شش‌تا)، اما برخلاف انتظار، بعضی از واژه‌های حوزه‌ی موسیقی در آن نیامده است؛ مثلاً در ترکیب «قنینه‌ی کانی» که «قنینه» شکل دیگری از «قنین» به معنی «طنبور» است.